خبرها

جهان هنر، قوم مایا

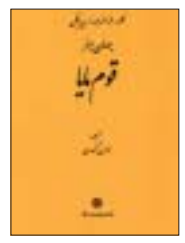

جهان هنر (قوم مایا)، کلود- فرانسوا بودزو پیر بکلن، ترجمه مهران کندری، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول

جهان هنر درباره قوم مایا و فرهنگ این قوم در دوران کلاسیک و دوران پیش از کلاسیک است. این کتاب در هفت بخش فرهنگ قوم مایا را مورد بررسی قرار می‌دهد. «فرهنگ مایا»، «پیدایی هنر کلاسیک مایا»، «نخستین آثار»، «اوج فرهنگ مایا»، «منطقه پوک در آخر دوره کلاسیک»، «مایا، تولتک‌ها و جانشینان آنها»، مرحله متاخر بعد از کلاسیک در یوکاتان عناوین بخش اول این کتاب است.

در بخش دوم؛ تصاویر، نقشه‌ها و بازسازی‌های مکمل، بخش سوم؛ ضمایم و فهرست توضیحی و مصور، اعلام، سالشمار، منابع عکس‌ها و تصاویر، نقشه‌های جغرافیایی از دیگر بخش‌های این کتاب است. در یادداشت مترجم آمده است: «تمدن عالی مایا در ایالت‌های جنوبی مکزیک، شمال گواتمالا و قسمت‌هایی از هندوراس، السالوادور شکوفا شد. در دوران کلاسیک هیچ تمدنی از لحاظ هنر، معماری، دین و غیره به پای تمدن مایا در سرزمین‌های پست نرسید...»

■ **ظفرنامه، قسم اسلامیه**

«ظفرنامه، قسم اسلامیه، جلد سوم (اسماعیلیان)» حمدالله مستوفی با تصحیح و توضیح و مقدمه‌ای از منصوره شریف‌زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۳۰۰۰ تومان

«منظومه ظفرنامه حمدالله مستوفی از آثاری است که در جمعی بسیار وسیع، آن هم در قالب شعر به بازگویی دوران تاریخی اسلام و ایران پرداخته است... و این کتاب تصحیح انتقادی بخش سوم (عباسیان) از قسم اسلامیه ظفرنامه است.»

منظومه ظفرنامه مستوفی یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های ادبیات منظوم فارسی در زمینه تاریخ است که در سه بخش سروده شده است؛ نخست: قسم اسلامیه؛ که از تاریخ زندگی حضرت محمد(ص) آغاز شده و با انقراض بنی‌عباس به اتمام می‌رسد و شامل بیست‌وپنج هزار بیت است.

■ **قرآن در اشعار پوشکین**

«قرآن در اشعار الکساندر پوشکین» تالیف: دکتر جان الی کریمی مطهر، دکتر مرضیه یحیی‌پور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۸۰۰ تومان

این کتاب شامل دو بخش، زندگی و آثار پوشکین و شرق در آثار پوشکین و تاسی از قرآن است.

«پوشکین در میان آن نویسندگان روسی که تحت‌تاثیر آثار و مفاخر مشرق‌زمین بوده‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار پوشکین در ادبیات روسیه و جهان از اهمیت والایی برخوردار است... بسیاری از نویسندگان برجسته دنیا با بهره‌گیری و الهام از مفاهیم و آثار دینی و ادبی شرق آثار بزرگ و بی‌نظیری را خلق کرده‌اند. ولی به دلایل نامشخصی این دسته از آثار پوشکین به ویژه اشعاری که با الهام از قرآن کریم سروده شده‌اند، کمتر مورد توجه مترجمان و محققان ایرانی قرار گرفته است. البته قصد ما از طرح موضوع این کتاب این نیست که نشان دهیم پوشکین گرایش‌هایی به اسلام داشت... بلکه می‌خواهیم نشان دهیم یک شاعر مسیحی نیز در کتاب مقدس مسلمانان- قرآن کریم- مطالب و موضوعاتی را یافته بود که به روحیات آزادی‌خواهانه او نزدیک بود... پوشکین تلاش می‌کرد به قدرت اعجاز قرآن کریم پی ببرد و می‌کوشید درک کند این اثر دینی چگونه توانسته قلب میلیون‌ها مسلمان را در سراسر جهان تسخیر کند.»

آلاچیقی کنار دریا

«آلاچیقی کنار دریا» مجموعه شعر چینی است که انتشارات با فکر به تازگی آن را منتشر کرده است.

در این مجموعه اشعاری از وانگ وی، پی‌تی، لی هو، لی پو و پوچویی انتخاب شده است.

و این ادامه خواهد یافت، این شعرها که ابدی‌اند، مثل مردم، شاید بسیار ماندنی‌تر از شعرهای ما... ما که همواره در حال تغییریم، با هر هجوم نظریه‌های علمی، بهتر است گاهی به شعرهای این مردم فکر کنیم که مثل ستاره‌ها تغییرناپذیرند...

«ما تقریباً همواره در شعرهایمان به آسمان نظر داشته‌ایم، چینی‌ها از عمد به زمین نگریستند، دور از فرشته‌ها و چیزی پدید آوردند که همگانی است، مشترک بین همه آدم‌ها که به تعبیری این چشمگیرترین زیبایی آنها است. شعر گفتند بی‌آنکه رویا بسازند. آنها دیدند که زمین بابت هیچ چیز متاسف نیست. هیچ خدایی نمی‌توانست آن را غنی‌تر کند. پس با اتکا به توانی درونی، منظره ساختند و شعرشان با همه سکوت و آرامشش نشان‌دهنده قدرت معنوی شان است.»این جملات نوشته رابرت پین از مقدمه اسب سفید است که در ابتدای این مجموعه شعر آمده است و یکی از شعرهای این مجموعه:

آن سوی پنجره/ چین‌های ظریف آب/ ماه تنها جلو و عقب رانده می‌شود./ از تنگه/ شلیک جیغ بوزینه‌ها/ باد صداها را تا جایی که نشسته‌ام می‌آورد.

تاملی بر دو رمان از شیطان آموخت و سوزاند و بازی آخر بانو

داستان خیابان‌ها و چریک‌های مرده

مهدی یزدانی خرم
yazdani@sharghnewspaper.com

دو رمان «از شیطان آموخت و سوزاند» نوشته فرخنده آقایی و «بازی آخر بانو» از جمله آثار موفق ادبیات داستانی سال ۱۳۸۴ بودند. نویسنده اولی یعنی فرخنده آقایی، سبک و سیاقی شناخته شده دارد و از نخستین کارهایش یعنی تپه‌های سبز، راز کوچک و... تا به امروز از نویسندگان فعال سال‌های دهه هفتاد و نیمه نخست دهه هشتاد بوده است. سابقه و کارنامه نوشتاری فرخنده آقایی، شمایل نویسنده‌ای را می‌سازد که مسئله‌های هویتی زنان جامعه ایران از مهم‌ترین دغدغه‌های او است. او در کنار چند نویسنده زن دیگر مانند ناهید طباطبایی، زویا پیرزاد و... (به‌عنوان نویسنده داستان کوتاه) روایتگر فضاها ومولفه‌هایی شد که معمولاً از بسامد زندگی شهری و تاثیرش بر زنان ساخته شده بود. آقایی رمان از شیطان آموخت و سوزاند را بعد از تجربه ناموفق «جنسیت گمشده» و مجموعه داستان «گربه‌های گچی» منتشر کرد. رمانی که فضای خاص آن و اجرای خلاقانه روزگار یک زن وابسته به اقلیت بر جذابیت آن افزود. رمان «بازی آخر بانو» در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۴ به بازار آمد. رمانی از بلقیس سلیمانی که در ماه‌های آخر سال گذشته، توجه منتقدان موافق و مخالف فراوانی را به خود جلب کرد. این اثر اولین نوشته داستانی بلقیس سلیمانی به حساب می‌آید. نویسنده‌ای که چیزی نزدیک به دو دهه را در حوزه نقد ادبی فعالیت کرده و نوشته‌های فراوانی در باب مفاهیم، کتاب‌ها و نویسندگان مختلف را منتشر کرده است. سلیمانی به‌عنوان منتقد جایگاه تثبیت شده‌ای دارد و اولین رمان او در شرایطی منتشر شد که بسیاری براین گمان بودند که این منتقد میانسال می‌خواهد ادامه دهنده سنت منتقد- نویسنده در ادبیات ایران باشد، به همین دلیل اعم منتقدان رمان وی را از پیش شکست‌خورده دانسته و با نگاهی هدف‌دار اثر او را در دست گرفتند. اتفاقی که نتایج برعکسی به همراه داشت و سلیمانی و رمانش نمره قبولی گرفتند. در این نوشتار نگاهی به این دو رمان مهم سال ۱۳۸۴ خواهم داشت.

■■■

■ **از شیطان آموخت و سوزاند- بره گمشده راعی**

همان‌طور که اشاره کردم فرخنده آقایی نویسنده‌ای است که از شکل‌های مختلف زندگی زنان شهری سود برده و روایت‌هایی را می‌سازد که در آنها مولفه‌هایی به نام «هویت اجتماعی» و «زندگی در دنیای شهر» اهمیت دوچندان دارند. آقایی در رمان از شیطان آموخت و سوزاند، راوی زندگی زنی ارمنی‌مذهب می‌شود که از خانه رانده شده و در کتابخانه پارک اندیشه زندگی می‌کند. این زن میانسال تمام وقایع روزانه را در دفتر یادداشت‌اش می‌نویسد و آنها را شماره‌گذاری می‌کند. آقایی با این تکنیک قدیمی ولی جذاب، زمانی نزدیک به دو سال از زندگی این شخصیت را روایت می‌کند... فرخنده آقایی در رمان از شیطان آموخت و سوزاند فرم و ساختاری را در پیش می‌گیرد که با توجه به موضوع روایتش قابل تامل است. قهرمان او که نشانه‌هایی از بیماری روانی را نیز بروز می‌دهد، یک شخصیت تلف شده و به قول دیگران بی‌اهمیت است. این بی‌اهمیتی از تقابل او با ساختار زندگی شهری و وضعیتی سرچشمه می‌گیرد که او را به این موقعیت بی‌مکانی و بی‌خانمانی دچار کرده است. پس می‌توان این‌طور گفت که انسان فرخنده آقایی به دلیل بی‌خانمانی، دغدغه‌ای به نام «مکان» دارد. این دغدغه را من مهم‌ترین ویژگی موضوعی‌ای می‌دانم که رمان را به سمت یک بافت درخشان فرمی پیش می‌برد. به این شکل که او با قرار گرفتن در یادداشت‌های روزانه اغلب عادی و تکرار مداوم و بی‌نتیجه یک مسیر روایی در جست‌وجوی ساختن یک مکان ذهنی برای تثبیت وجودی خود است.

از شیطان آموخت و سوزاند
فرخنده آقایی
ناشر: مولف
چاپ اول - ۱۳۸۴
تعداد: ۱۵۰۰ نسخه
قیمت: ۳۲۰۰ تومان

او از نسل پرسوناژهای شهری‌ای است که بخش عمده‌ای از تکامل خود را در حفظ و یا ثبت یک مکان محوری اعم از خانه، شهر، محله و... متصور می‌دانند، بنابراین با گرفته شدن این عنصر لازم و مهم آنها به شکل آوارگانی درمی‌آیند که چنان در تاروپود خیال درونی فرومی‌روند که نمی‌توان بر صادق یا کاذب بودن‌شان اطمینان داشت. این نگره زیستی- رئالیستی مهم‌ترین نکته‌ای است که ساختار خاص رمان را توجیه می‌کند. اقلیتی در شهر تهران که مالیخولیای خانه دارد. آنچه که آقایی را به نویسنده‌ای صاحب‌فکر تبدیل می‌کند، این است که او این مالیخولیا را از شکل و معنای نمادینش دور کرده و به آن هویت و بافتی ساختاری می‌بخشد. قهرمان او زنی معمولی و «بی‌اهمیت» است، بنابراین با استفاده از ناخودآگاه مکان‌گرایی خود، لوازمی را روایت می‌کند که به واسطه آنها می‌توان زندگی در پاره‌پاره‌های این یادداشت‌ها را شکل تراژیکی از مکان دانست. نوع فکر و اجرای روایی آقایی ریشه در سنتی دارد که در نویسندگان غربی‌ای مانند کنوت هامسون (رمان گرسنه) یا رومن گاری (رمان زندگی در پیش رو) دیده‌ایم. او با حذف یا متزلزل کردن یکی از مهم‌ترین وجوه زیستی قهرمان‌اش، به او اجازه می‌دهد تا آن را به شکلی انتزاعی و بیمارگونه بازآفرینی کند. استفاده هوشمندانه آقایی از مناطق، فضاها و انگاره‌های شناخته شده و آشنای شهر تهران باعث شده تا وجوه اکسپرسیونیستی موضوع تقلیل پیدا کند و آنچه که می‌توان آن را نوعی رئالیسم سیاه نامید متولد شود. رئالیسمی که ناداشته‌ها و ازدست‌داده‌های ذهن راوی خود را به شکلی خیالی و انتزاعی و در نهایت موقتی می‌سازد. در واقع رمان از شیطان آموخت و سوزاند را باید اثری دانست که در حال به تاخیر انداختن نقطه و سقوط پایانی است. ابژه با استفاده از این موقعیت به هر سو می‌رود، روایت می‌کند، شطح می‌گوید و حتی تن به خیابان‌خوابی می‌دهد ولی می‌کوشد تا شکل آبرومندانه و عرفی یک انسان شهری را حفظ کند. شرح این تلاش‌ها همان چیزی است که قسمت عمده‌ای از لایه و پوسته بیرونی روایت را ساخته است.

زمانی که این پوسته بیرونی شکل پاره‌پاره و تکه‌تکه‌ای به خود می‌گیرد ما از آشفتگی عمیق ذهن راوی آگاه می‌شویم. آشفتگی‌ای که در نهایت ادامه پیدا می‌کند و مدام در حال به تاخیر انداختن آن چیزی است که شخصیت باید آن را بپذیرد. شمایل شهر تهران در آخرین رمان فرخنده آقایی، شمایل و پرتره شهری متناقض است. شهری که ابعاد مکانی‌اش به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین جنبه وجودی او، در راستای بیرون راندن و اخراج یکی از شهروندان عمل می‌کنند. با این نگره قهرمان فرخنده آقایی دل به همان مکان ذهنی‌ای می‌بندد که برای خود ساخته است. مکانی که در رمان به شکل یک قرائت‌خانه عمومی شبانه‌روزی و تا حدودی نمادین ساخته شده است. این زن نه گذشته قابل اطمینانی دارد تا مدام به آن متوسل شود و نه قرار است اتفاقی بیفتد که او را از این وضع نجات دهد. پس زندگی در دنیای متن و نوشتار را برگزیده و از آن به‌عنوان سند، جایگاه و فرصتی برای امنیت استفاده می‌کند. از سوی دیگر «اقلیت مذهبی» زن نیز در ساخته شدن وضعیت هویتی‌اش تاثیر فراوان دارد. این اقلیت (به معنای نوعی از شکل شخصیت‌پردازی ادبی) با آنچه که در آثار مهم ادبیات اقلیت مانند نوشته‌های بکت، کافکا و یا کوندرا می‌بینیم، متفاوت است. این اقلیت وجهی ناخواسته است که خواسته یا ناخواسته، شخصیت را دچار تنهایی دوچندان می‌کند. بنابراین قهرمان سرگردان فرخنده آقایی از وضعیت اقلیت برای ارائه سویه‌ای روشنفکرانه سود نبرده و آن را یک موقعیت ازپیش تعیین‌شده می‌انگارد. در کنار دو محور اصلی بی‌مکانی و بی‌اهمیتی، محور سومی نیز در خاص‌تر شدن شخصیت رمان فرخنده آقایی موثر است. نام این مولفه را که تکمیل‌کننده دو عنصر قبلی است، می‌توان «جهالت» گذاشت. جهالت یا نادانی به معنای اخلاقی آن نیست، بلکه در این رمان حکایت از وضعیتی دارد که در آن شخصیت قادر نیست تا نظر و منظور بیرونی را نسبت به خود درک کند. او که موجودی رانده شده است، اسیر ترحم‌ها یا بی‌توجهی مولفه‌های دیگر متن است، پس می‌تواند به انتخاب رویه‌ای تک‌نفره و خودمحور به یک شکل ناقص اسطوره‌ای نزدیک شود، ولی قهرمان فرخنده آقایی اسیر و متوهم خوش‌بینی است. او به دلیل فقدان آگاهی و یا دور نگاه داشتن قوه آگاه‌کننده از ذهن خود، می‌کوشد تا برای بی‌رحمی متن خود توجیه بتراشد. این نادانی ریشه در همان ذهن آشفته هزارتکه‌ای دارد که از نداشتن مکان و جایگاه تثبیت شده بیرونی به سوی ساختن دنیای شیرین ذهنی حرکت کرده است. قهرمان آقایی آنقدر خوش‌بین است که حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها و شرایط نیز، اعتقاد به نفس‌اش را از دست نداده و دچار فروریزی کامل بیرونی نمی‌شود. با این شکل از روایت، از شیطان آموخت و سوزاند رمانی است که با بازخوانی از یک شکل مرسوم روایی، تلاش کرده شخصیتی را در آن روایت کند که فقدان جهان‌بینی خردورزانه قهرمان به همراه هجوم نیروهای بازدارنده و یا بی‌تفاوت به سوی او، باعث شده تا یکی از موفق‌ترین رمان‌های رئالیستی ایران در سال ۸۴ نوشته شود. فرخنده آقایی با این ترکیب‌بندی و هارمونی از یک معضل اجتماعی بی‌خانمانی - و یک وضعیت خاص - اقلیت مذهبی - شخصیتی را می‌سازد که برای تمام این معادل‌های بیرونی و گاه پیش پا افتاده یک خیال و یا وهم عمیق ذهنی و متنی می‌آفریند. این رمان را باید سرآمد دوره‌ای در نویسندگی آقایی دانست. رمانی که به‌زعم من اثر و یاد چند نوشته نه چندان موفق آقایی را از یاد می‌برد.

■■■

■ **بازی آخر بانو - سایه‌های غار**

رمان بازی آخر بانو داستانی جذاب و تکان‌دهنده دارد. اغلب فضاهای آن به روزهای دهه شصت و ظهور آدم‌ها، اخلاق‌ها و موقعیت‌های جدیدی برمی‌گردد که گاه منش اجتماعی زندگی ایرانی را تغییر دادند. با این نگرش بلقیس سلیمانی، تلاش کرده تا از خرده‌روایت‌های بی‌شماری که از آن روزگار در ذهن‌ها باقی مانده، روایتی چندسویه بسازد که به زندگی و جریان‌های زیستی دو نسل بازمی‌گردد. رمان بازی آخر بانو دو قسمت مجزا دارد. قسمت اول که عمده‌ترین بخش رمان را هم به خود اختصاص داده است، داستان دختری روستایی است که در کنار مادر فقیر خود زندگی می‌کند. او ناخواسته وارد جریانی سیاسی می‌شود و جنبه‌های مختلف و متعددی از آن را تجربه می‌کند قسمت دوم رمان را باید نقیضه بخش دوم دانست. زمان این قسمت به روزهای نزدیک‌تر و سال‌های پایانی دهه هفتاد و شاید اوایل هشتاد بازمی‌گردد که نسلی دیگر خود را در برابر قصه قسمت قبل می‌بیند. در نهایت، نویسنده وارد متن شده و گمان جعلی بودن روایت اول را به وجود می‌آورد... سلیمانی در رمان بازی آخر بانو، از یک ظرف و موقعیت تاریخی برای جمع‌آوری آدم‌های گوناگون و از همه مهمتر موقعیت‌های غافلگیرکننده استفاده می‌کند. رمان او چنان سرعت و حرکتی دارد که می‌تواند، شکل‌های موقتی آدم‌های تاریخی زمان خود را در کوتاه‌ترین زمان بازآفرینی کند. او با استفاده از اصل ماجرا و محور قرار دادن آن در جریان روایت، از نزدیک شدن رمانش به برخی از صورت‌های رمان چپ و معناگرا جلوگیری می‌کند. آدم‌های او، اغلب انسان‌هایی بهت‌زده و در عین حال آرمان‌گرا هستند که شرایط تازه اجتماعی باعث تولد یک شبه و سریع آنها شده است. این ناهمگونی و درهم‌ریختگی آنچنان ملموس است که ما می‌توانیم ورود و خروج‌های ناگهانی آدم‌ها را بپذیریم و انتظار هر نوع اتفاق و ماجرای جدیدی را داشته باشیم. نکته مهمی که این رمان راوی آن است، قرار گرفتن فرد در یک وضعیت ناهمگون اجتماعی است. این امر باعث می‌شود تا رکود و سکونی که در زندگی برخی شخصیت‌ها وجود دارد، از بین برود و اکثر آنها صاحب اموری شوند که ریشه در اتفاق‌های منحصربه‌فرد زندگی‌شان دارد. این‌طور می‌توان گفت که اعم قهرمان‌های رمان بازی آخر بانو صاحب کابوس‌های شخصی‌ای هستند که از زندگی بیرونی و اتفاق‌های عجیب سرچشمه گرفته شده است. این حالت ضرباهنگ و ریتم حرکت‌های اجتماعی‌شان را می‌سازد و ایشان را در حالت‌های مختلف قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت، هر قسمت این رمان (به خصوص بخش اول) نقیضه قسمت‌های قبل از خود است. نویسنده این رمان اجتماعی موفق شده است تا با استفاده از ویژگی‌های تاریخی یک دوره خاص و کوتاه‌مدت، انواع چهره‌ها و دوره‌ها را برای قهرمان اصلی‌اش و برخی شخصیت‌های دیگر بیافریند. فاصله کوتاه درک جنازه‌ای متعفن تا تبدیل شدن به یک سمپات چپ و سپس همسر یک مرد صاحب نفوذ و بعد رسیدن به کرسی استادی در دانشگاه، آن‌قدر کوتاه و شلاق‌وار ساخته شده که در نوع خود قابل توجه است. بلقیس سلیمانی، این وضعیت‌ها را توجیه نمی‌کند و به همین دلیل است که پس‌زمینه تاریخ‌پذیری به کمک او آمده و باعث می‌شود تا مخاطب‌اش به دنبال یک زنجیر و یا سلسله عوامل هدفمند نگردد. او قهرمان را در موقعیت‌های مختلف قرار داده و همین امر به رمان فرم کلاژگونه می‌بخشد. هم‌نشینی امور، آدم‌ها و لحظه‌های متناقض، تاکید بر اصالت آنها و نابود شدن‌شان در یک آن و فرصت. این فرمی است که سلیمانی در اغلب صفحه‌های رمان بازی آخر بانو رعایت می‌کند. در چنین پروسه‌ای، نویسنده با پررنگ‌تر کردن بخش پروسه‌ای، یعنی روایت لحظه‌به‌لحظه موقعیت به وقوع پیوسته، بعدی محتوم به آن بخشیده و وانمود می‌کند که این زندگی و سرنوشت اصلی قهرمان او است. ولی مخاطب هربار بازی می‌خورد و با فروریختن هر یک از این سرنوشت‌ها، دچار تشویش در پذیرش اتفاق ناگهانی می‌شود. به همین دلیل رمان بازی آخر بانو، جعل موفقی از روایت خطی زندگی یک قهرمان با ویژگی‌های تاریخی است.

او مدام در حال تغییر موقعیت و فضا است و نکته مهم‌تر اینکه موقعیت قبلی و فضایی پیشین هیچ اثر و یا بازتاب حافظه مدارانه‌ای در بخش بعدی ندارند. حذف نقطه‌های اتصال روایی مانند خاطرات و یا اشیا باعث می‌شدند تا گذشته به معنای دقیق کلمه مرده و از بین رفته به نظر آید. ولی ضربه نهایی را همین گذشته به قهرمان وارد می‌کند. گذشته‌ای که جمعی است و او نیز در آن دخالت داشته باعث دستاویزی عده‌ای برای فاش شدن قصه اصلی می‌شود. در این معنا رمان بازی آخر بانو را می‌توان روایت پرشتاب از آدم‌های ساده و زمان‌زده‌ای دانست که مدام در وضعیت‌های پیچیده‌تر قرار می‌گیرند. آنها بدون توجه به ظرفیت‌های ذهنی‌شان جلو رفته و اجازه می‌دهند تا مفهوم قدرتی که در رمان مستتر است، چهره‌های روایی‌شان را دستخوش تغییر کند. اما به عقیده من بخش دوم رمان که قرار است نقیضه‌ای بر تمام فصول قبل باشد، اجرای آنچنان موفقی ندارد. در این بخش ما با فضایی دانشجویی روبه‌رو هستیم که رازی مشترک داشته و حالا می‌کوشند از برخی سرنوشت‌های متفاوت، روایتی صریح به‌دست آورند. این تفکر در ادامه جهان‌بینی حاکم بر رمان ساخته شده است، ولی سلیمانی در اجرای بازی جدید توفیق بازی قدیم را ندارد. آدم‌های این بخش که قرار است نقش نسل بعدی متن را ایفا کنند، کمی از واقعیت وجودی‌شان دورافتاده‌اند. صحنه‌آرایی و فضاپردازی‌ها و از همه مهمتر شتاب نویسنده برای پایان دادن به رمان آنچنان در راستای قسمت قبل حرکت نمی‌کند. دیالوگ‌های پرقوت قسمت اول، جای خود را به گفت‌وگوهای گاه رمانتیک می‌دهند که در آن فضایی معماگونه، معنا و دلیل خاصی ندارند. با تمام این ویژگی‌ها رمان بازی آخر بانو، اجرای زیرکانه و جسورانه‌ای از یک فضای متناقض تاریخی است. سلیمانی با توجه به قابلیت‌ها و پتانسیل‌هایی که این فضا در اختیار او قرار داده است، می‌کوشد یک رمان پرحادثه و خارج از روابط خسته‌کننده دال و مدلولی بسازد. نشانه‌ها و عناصر معنایی‌اش را به نحوی می‌چیند تا فضای نقیضه‌ساز روایت کلی بتواند از آنها هر نوع استفاده کاذب و یا جعلی را داشته باشد. او به‌خوبی می‌داند که سنت رمان او، می‌تواند اثرش را به یک مرثیه صرف و تراژیک تبدیل کند، بنابراین مدام در حال ساختن شخصیت، نابود کردن آنها و بازیابی ایشان است. این انرژی به خواننده منتقل می‌شود. انرژی‌ای که از یک فرآیند عذاب‌آور حرکت از نقطه A، رسیدن و مکث در نقطه B و زوال ناگهانی در همان نقطه B به‌دست آمده است. چنین فعل و انفعالی، علاوه بر خواندنی کردن رمان بازی آخر بانو، باعث می‌شود تا تسلط یک فضا، جریان و شکل خاص داستانی از متن دور شده ولی در عین حال ما با متنی چندپاره روبه‌رو نشویم. آنچه که از چندپارگی رمان بازی آخر بانو جلوگیری می‌کند، تاریخ است که با تمام پیچیدگی‌ها و نقاط تاریک و روشن‌اش، قطعیت دارد و تنها مولفه‌ای است که قرار به تحریف و تخریب آن نیست. نکته مهم دیگری که در رمان بازی آخر بانو دیده می‌شود، حرکت مداوم شخصیت‌ها برای رسیدن به یک شکل آرمانی و ثابت از خود است. این تلاش کلاسیک تحقیر نمی‌شود ولی تحقق نیز پیدا نمی‌کند، زیرا جنس و بافت روزگار تاریخی آنان به شکلی است که اجازه سکون و مکث لازم برای رسیدن به نقطه امن و مطمئن را نمی‌دهد. شاید به همین دلیل است که فضای رمان نیز در حالتی سرگردان میان روستا، شهرستان و شهر قرار دارد. آدم‌های سلیمانی از جای اصلی خود و موقعیت از پیش‌ساخته‌شان خارج شده و قرار است سرگردان در متن به هر سو حرکت کنند.

بازی آخر بانو
بلقیس سلیمانی
نشر ققنوس
چاپ اول - ۱۳۸۴
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه
قیمت: ۲۵۰۰

■■■

رمان‌های از شیطان آموخت و بازی آخر بانو را باید از مهمترین رمان‌های سال ۱۳۸۴ به حساب آورد. رمان‌هایی از دو نویسنده زن که هر دو در یک نقطه مشترک هستند و آن دغدغه هویت‌های سرگردان شخصیت‌هایی است که آفریده‌اند. اولی بعد شهری پررنگی پیدا می‌کند و درمی در لایه‌ای از نگاه تاریخی فرومی‌رود. از شیطان آموخت و سوزاند در ۱۵۰۰ نسخه و توسط مولف به بازار آمده است و بازی آخر بانو را انتشارات ققنوس در ۲۲۰۰ نسخه منتشر کرده است.

خبرها

ذهن و زبان حافظ

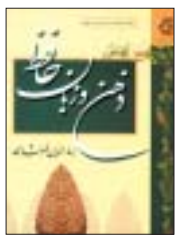

«ذهن و زبان حافظ»، بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات ناهید، چاپ هشتم، ۷۵۰۰ تومان

بهاءالدین خرمشاهی در پیشگفتار این کتاب نوشته است: «این کتاب که در جای خود، در روزگار خود در بیش از بیست سال پیش نخستین کتاب حافظنامه/ حافظ پژوهانه‌ام بوده اینک واپسین کتاب شده است... از نام همین کتاب است که امروز ترکیب عطفی «ذهن و زبان» در فارسی نوشتاری و گفتاری امروز رواج پربسامدی دارد. بعدها پی بردم که چامسکی کتابی به‌نام زبان و ذهن دارد که دکتر کورش صفوی به فارسی ترجمه کرده‌اند. این اثر که متشکل از هفت مقاله بود در کتاب حاضر مندرج است. در این کتاب که ویراست سوم و چاپ هشتم آن است تعداد این مقالات از سه برابر هم بیشتر و حدود ۵۲ فقره است.»

این کتاب هفت فصل دارد. هر یک از این فصل‌ها در حد خود مستقل ولی با دیگری مرتبط است. «اسلوب هنری حافظ و قرآن»، «میل حافظ به گناه»، «حافظ و انکار معاد؟»، «اعجاز در ایهام»، «اختلافات قرآت»، و دو فصل در انتقاد دو کتاب. نخست در کوی دوست، نوشته شاهرخ مسکوب و دوم حافظ شیرازی با مقدمه و تصحیح احمد شاملو بخش‌های مختلف «ذهن و زبان حافظ» است.

کژتابی‌های ذهن و زبان

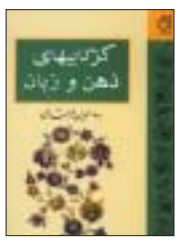

بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات ناهید، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

«کژتابی‌های زبان» اصطلاحی است که نگارنده این سطور در دهه ۱۳۶۰ برای سلسله مقالات خود که متشکل از جملات دو پهلوی کژتاب بوده‌اند و پدیده‌ای بین ایهام (دو معنادهی) و ابهام (دوگانه‌خواهی و دیریابی) به کار برده و صدها بلکه بیش از هزار جمله پیچ‌دار را که غالب آنها هم به همین جهت طنزآمیز از آب درآمده‌اند، مطرح کرده و توضیحات لازم هم ذیل آنها آورده است. این مقالات به سیستم قلکی یا آبیاری قطره‌ای جمع شده و به قول سعدی و برخلاف قول او چاه را با شبنم پر کرده‌ایم.

خرمشاهی در جایی دیگر از مقدمه این کتاب می‌نویسد: «فایده کژتابی‌ها، اگر اصولاً فایده‌ای داشته باشد، یکی تفریح زبانی است و خواندن طنز. دوم «زبان آگاهی» و حساسیت زبانی پیدا کردن و در آثار خود یا گفته‌ها و نوشته‌های خود از ارتکاب کژتابی پرهیز کردن و حس و حساسیتی یافتن که در شب تاریک در اتاق در بسته تاریک دنبال گربه کاملاً سیاهی که در آنجا نیست گشتن و احیاناً او را پیدا کردن.»

مشت در نمای درشت

معانی و بیان در ادبیات و سینما، دکتر سیدحسن حسینی، انتشارات سروش

حسن حسینی در مقدمه درباره هدفش از تالیف «مشت در نمای درشت» نوشته است: «در تالیف این کتاب سه هدف را دنبال می‌کردم:

الف- نزدیک کردن دل و زبان ساکنان دو اقلیم هنر یعنی ادبیات و سینما به یکدیگر.

ب- تفسیر سینمایی ادبیات و تشریح ادبی سینما.

ج- نگاه سینمایی به میراث ادبی.

«شوق بازگویی و نمایش»، «چالش ادبیات و سینما»، «نماد و نمادگرایی»، «چندنما از تشبیه»، «نوشتن فیلمنامه و کاربرد شعر و نثر فارسی»، «اقسام تشبیه در ادبیات و سینما»، «سینما و صناعات بدیع» از سرفصل‌های این کتاب است.

«مشت در نمای درشت» در ۲۶۴ صفحه و با قیمت ۱۹۰۰ تومان منتشر شده است.

شاه‌توت‌های پیراهنت

«میان آسمان و زمین تنها یک چیز از آن من است دلهره‌ای که در چشم‌های توست!»

«شاه‌توت‌های پیراهنت» نام مجموعه شعری است از مهری قاسمیان امیری که نشر نگیما به تازگی آن را با قیمت ۸۰۰ تومان منتشر کرده است. این کتاب ۷۱ صفحه دارد و تاب‌بازی، مستی، راس ساعت ۷ عصر، کمی کنارتر آقا، دیگر فرقی نمی‌کند... ، از این‌گونه بودن‌ها، بانوی روزهای ماه ندیده! کودکی، فاتحه، دمیان! من مرده‌ام، آری یا نه؟!، شبیه تو و... اسامی شعرهای این مجموعه‌اند.

«من از ارتفاع بیزارم/ از بهشت که می‌آمدم/ بال‌هایم را تحویل دادم/ حالا میان آسمان و خودم و این تاب/ گیر کرده‌ام/ هر بار به زمین می‌رسم/ رنگ عوض می‌کنم/ من وصله ناجوری هستم/ برای همه ارتفاع‌ها/ مرا به زمین برگردانید!